



سال ششم، شماره ۴، پیاپی ۲۱ زمستان ۱۴۰۲

www.qpjournal.ir

ISSN : 2783-4166

نقد و بررسی کتاب خاطرات شفاهی «از کوه‌ها بپرسید» از دریچهٔ اصالت متن و گویاسازی

دکتر محمدرضا شاد منامن^۱، محمد پرحلم بچارپسی^۲، دکتر علی محمد موذنی^۳، دکتر جهان‌دوست سبزی‌علی‌پور،

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۹/۲۲

نوع مقاله: پژوهشی

(از ص ۷۷ تا ص ۹۱)



چکیده:

یکی از پدیده‌های نوینی که به کمک تاریخ آمده، خاطرات شفاهی است. خاطره قرن‌هاست در ایران و جهان نگاشته می‌شود، اما در خاطرات شفاهی، یک مصاحبه‌گر آگاه در تولید و بازروایی آن نقش ایفا می‌کند و ناگفته‌های راوی را با پرسش‌هایش پیش روی مخاطب می‌گذارد. به‌همین سبب اغلب خاطرات شفاهی، اهمیت بیشتری نسبت به نگارش خاطره به شکل سنتی دارد، اما ورود مصاحبه‌گر و نویسنده در روایت، ممکن است آسیب‌هایی نیز داشته باشد. یکی از این آسیب‌ها دخل و تصرف نویسنده در متن است، به گونه‌ای که برخی از خاطرات دست‌کم در بخش‌هایی وارد حیطهٔ نثر ادبی می‌شود و یا از منابع تاریخی به‌جای داده‌های روایی استفاده می‌شود. در این مقاله نگارندگان در پی پاسخ به این پرسش هستند که آیا در کتاب از کوه‌ها بپرسید اصالت روایت دچار خدشه شده است. همچنین با گویاسازی‌های روایت، خواننده ارتباط بهتری با متن برقرار می‌کند یا خیر؟ علاوه‌براین، چالش‌های گویاسازی کتاب «از کوه‌ها بپرسید» از جمله گویاسازی بدون متر و معیار و ارجاع به منابع نامعتبر، عدم ارجاع متن به اسناد و داده‌ها و دیگر روایت‌ها و عدم تکمیل مصاحبه نشان داده می‌شود تا مشخص شود نویسنده تا چه اندازه در گویاسازی متن

۱. عضو هیات علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی خلخال، خلخال، ایران (نویسنده مسئول)

mr.shadmanamin@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال، خلخال، ایران. mvaresh54@gmail.com

۳. عضو هیات علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، تهران، ایران. moazzeni@ut.ac.ir



موفق بوده است، و آیا میزان دخل و تصرف نویسنده، به اصالت روایتِ راوی آسیب زده است یا خیر؟ روش تحقیق در این پژوهش، روش تاریخی به شیوه توصیفی-تحلیلی است.

واژه‌های کلیدی: ادبیات پایداری، خاطرات شفاهی، اصالت متن، گویاسازی.

۱. مقدمه:

یکی از شیوه‌های ثبت و ضبط رخداد از گذشته‌های دور، بازگویی و بازنویسی آن است. این بازگویی و بازنویسی «در ایران پشتوانه ادبی، روایی، تاریخی دارد. در نقالی، در روایت‌گری، در مقتل‌خوانی، در تذکره‌نگاری و مقامه‌پردازی و حکایت‌گویی و حسب‌الحال‌نگاری، حدیث، خطابه و خطبه و امثال آن» (کمری، ۱۳۹۴: ۵۲). هر یک از موارد ذکرشده در تاریخ و ادبیات ایران سابقه‌ای طولانی دارد. برای مثال تاریخ بیهقی و تاریخ جهانگشای جوینی از سرآمدترین واقعه‌نگاری‌های تاریخ ادبیات ایران هستند.

از نیمه دوم قرن بیستم میلادی، خاطره‌نویسی در غرب، بعدی دوسویه پیدا کرد، یعنی «مطلب» بازیگر و یکه‌تاز میدان خاطره، بخشی از عرصه‌ای را که در اختیار داشت به پژوهشگر/خاطره‌گیر و مصاحبه‌گر آگاهی داد که خاطره‌مند را در زایش بهینه خاطره همراهی می‌کند، تا جایی که خاطره‌گیر با خاطره‌مند در بیان تمام رخدادهای زندگی‌اش همراه می‌شود و او را در به‌یادآوری بهتر خاطرات کمک می‌کند، گاه نیز با او مجادله می‌کند تا صاحب‌خاطره، یک‌طرفه به قاضی نرود.

«از آنجا که جنگ یک رویداد نظامی، اقتصادی و اجتماعی مهم در یک جامعه محسوب می‌شود، در تولیدات فرهنگی آن جامعه بازتاب می‌یابد» (بخشی و بستان، ۱۳۹۳: ۴۸). در ایران نیز خاطرات شفاهی بعد از جنگ ایران و عراق شکوفا شد و پژوهشگران دریافتند که برای نشان دادن ابعاد گسترده پدیده انقلاب و جنگ که جزئی از جریان انقلاب بود باید از ابزار خاطره و تاریخ شفاهی استفاده کنند. این ابزار پس از ثبت و ضبط برخی از خاطرات و رخدادها و تبدیل شدن به اثر مکتوب با استقبال علاقه‌مندان به تاریخ و ادبیات روبه‌رو شد و جریان خاطره‌نگاری و تاریخ شفاهی به‌عنوان یکی از بزرگترین جریان‌های تاریخ معاصر، جای خود را در ایران باز کرد.

در خاطره‌نگاری‌های خودنوشت اشکالات یک اثر به نگارنده برمی‌گردد، اما در خاطرات شفاهی مصاحبه‌گر و پژوهنده‌ای که در کنار راوی قرار می‌گیرد ممکن است خود نیز در راستای تولید متن، آسیب‌هایی به روایت وارد و اعتبار آن را دچار خدشه کند. از طرف دیگر ممکن است مصاحبه‌گر به دلیل عدم تسلط به رخدادها و وقایع و همچنین مسلط نبودن به شیوه کار تاریخ شفاهی، قادر به گویاسازی مناسب متن نباشد که این امر موجب می‌شود خواننده آن‌طور که باید به اصل رخداد و روایت راوی نزدیک نشود.

در تدوین خاطرات شفاهی حفظ اصالت روایت و گویاسازی آن، دو اصل مهم است که سبب اعتبار متن می‌شود. در این نوشتار دو اصل یادشده در کتاب از کوهها بپرسید بررسی می‌شود.

۲. معرفی کتاب از کوهها بپرسید

کتاب «از کوهها بپرسید» خاطرات شفاهی موسی (فرهاد) آذر متولد سال ۱۳۴۲ لنگرود است. آذر از سال‌های آغازین جنگ به صورت داوطلبانه در جنگ بین ایران و عراق و درگیری با ضدانقلاب در منطقه کردستان حاضر بود و تا اوایل دهه هفتاد در آن منطقه به مبارزه ادامه داد. او نزدیک به شش ماه در اسارت گروه‌های کرد ضدانقلاب اسیر بود و چندسالی فرماندهی عملیات سپاه پاسداران بانه و مریوان را برعهده داشت. آذر در مصاحبه با اسماعیل محمدپور سرگذشت و خاطرات خود از دوره کودکی، انقلاب اسلامی، جنگ و مبارزه با ضد انقلاب را در ۵۲۵ صفحه روایت می‌کند. این کتاب توسط انتشارات رج و صریر و به‌همت بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس در سال ۱۳۹۹ منتشر شده است.

۳. بیان مسئله

پس از گذشت حدود دو دهه از انقلاب اسلامی، برخی از نهادها روند تولید کتاب‌های خاطره را پی گرفتند، در حالی که تجربه در این زمینه اندک بود و «هنوز مبانی نظری، روش‌شناسی و شیوه‌های برون‌داد این شاخه جدید علم تاریخ، به‌درستی سنجیده و مدون نشده بود (عزیزی، ۱۳۸۴: ۹) و افرادی که به خاطره‌نگاری جنگ می‌پیوستند به کاستی‌های علمی و ادبی خود واقف نبودند. از آنجا که تدوین خاطرات جنگ در کشور روزبه‌روز فراگیرتر می‌شود و برخی از این آثار با اشکالات عدیده‌ای روبه‌رو هستند، نقد این آثار می‌تواند در پیشبرد این گونه ادبی، تاریخی، اهمیت بسزایی داشته باشد. در این مقاله، اصالت روایت و گویاسازی که دو اصل اعتبار متن است و عدم توجه به آن می‌تواند به تحریف خاطره بینجامد در کتاب از کوهها بپرسید مورد بررسی قرار می‌گیرد تا مشخص شود پژوهشگر چه میزان به اصالت روایت وفادار مانده یا از آن عدول کرده است. همچنین با سنجش شیوه‌های گویاسازی، مزیت و آسیب‌های کتاب از کوهها بپرسید از این منظر آشکار می‌شود.

۴. پرسش:

۱. دخل و تصرف نویسنده، در کتاب از کوهها بپرسید به اصالت روایت آسیب زده است؟
۲. گویاسازی در کتاب از کوهها بپرسید سبب روشن شدن نقاط تاریک یا نامکشوف رخدادها شده است؟

۵. پیشینه تحقیق:

در مورد آسیب‌شناسی خاطره آثاری منتشر شده است، از جمله این آثار می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد:



۱. پرسمان یاد (کمری: ۱۳۹۴)، این کتاب در ۱۵ بخش تنظیم شده است و برخی از فعالان ادب پایداری مهم‌ترین آسیب‌ها و پرسش‌هایی را که پیرامون خاطره‌نگاری با آن روبه‌رو بوده‌اند از علی‌رضا کمری پرسیده‌اند و ایشان مبسوط به این پرسش‌ها پاسخ گفته است.
 ۲. پویه پایداری (کمری: ۱۳۹۷) مجموعه مقالات مرتضی سرهنگی، هدایت‌الله بهبودی و علی‌رضا کمری است که در آن به خاطره و خاطره‌نگاری پرداخته شده است.
 ۳. تاریخ شفاهی دفاع مقدس (عزیزی: ۱۳۹۰) مجموعه مقالات ۳۶ تن از پژوهشگران پیرامون تاریخ شفاهی و خاطرات شفاهی دفاع مقدس است که به مصاحبه، تدوین و ... در تاریخ شفاهی و خاطرات پرداخته و آثاری را نیز نقد و بررسی کرده است.
 ۴. تدوین در تاریخ شفاهی (ططری، ۱۳۹۶) شامل ۱۲ مقاله است که در هر یک از این مقاله‌ها از جنبه‌های گوناگون به آسیب‌ها و چالش‌های تدوین در تاریخ شفاهی و خاطرات پرداخته شد.
 ۵. «خاک و خاطره» (۱۳۸۶) نوشته احمد دهقان است که به چالش‌های خاطره‌نگاری در ایران پرداخته است.
 ۶. «یادنگاران» (۱۳۸۴)، مجموعه گفت‌وگو با خاطره‌نویسان دفاع مقدس است که به‌همت معزز پرنیان منتشر شده است.
- اما در مورد کتاب از کوه‌ها بپرسید، تاکنون مقاله یا اثری منتشر نشده است.

۶. اصالت روایت

در فرهنگ معین اصالت به «بانژادبودن، نژاده بودن، گهر داشتن، نجابت داشتن، شرافت داشتن» (معین، ۱۳۸۱: ۱۰۲) تعبیر شده است. در فرهنگ دهخدا و برخی فرهنگ‌های دیگر نیز نظیر همین واژگان آمده است که بیشتر در آن به اصل انسانیت و اصالت و نژاد و آزادگی توجه شده است، اما وقتی با روایتی سروکار داریم، منظور از اصالت، عدم تغییر در ساختمان و محتوای روایت است، چرا که گاهی جابه‌جا کردن یک کلمه در ساختار روایت، معنایی دیگر را به ذهن خواننده متبادر می‌کند. در واقع «باید بین راوی و متن رابطه‌ای مستقیم وجود داشته باشد» (محمدی، ۱۳۹۶: ۲۸) و همان منظور، لحن و احساسات روایت‌کننده در متن متبلور باشد.

پژوهشگر خاطرات شفاهی بیش از هر چیز باید خود را امانت‌دار روایتِ راوی بداند. او وظیفه زایایی خاطرات و ثبت و ضبط آن را برعهده دارد و نباید افکار، اندیشه‌ها و خواسته‌های خود را از زبان راوی به متن وارد کند.

در یک گفت‌وگوی موفق علاوه بر خصوصیات جسمانی، خصوصیات روانی و خلقی و نیز خصوصیت اجتماعی افراد نیز آشکار می‌شود. گاهی نحوه صحبت کردن، انسان‌ها را از هم متمایز می‌کند. همچنین کاربرد لغات، اصطلاحات و تعبیرات، لحن ادبی کلمات، لهجه‌ها و گویش‌ها، آنها را از هم متمایز می‌سازد (رسولی‌پور، ۱۳۹۴: ۷۵-۷۶).



متن خاطره باید تا حد ممکن به گفتار راوی نزدیک باشد و لحن و ساختار کلام تغییر نکند، به عبارت دیگر، دخل و تصرف در محتوا و ساختار روایت به خاطره آسیب می‌زند و اصالت آن را دچار خدشه می‌کند.

۶-۱ - به کارگیری نثر ادبی و شاعرانه در متن خاطره

حفظ ساختار کلام راوی و انتقال آن به متن، از اهمیت بسیاری برخوردار است و سبب می‌شود کتاب‌های مختلف یک نویسنده باهم تفاوت داشته باشند. ما در خاطره اجازه نداریم نسبت به تغییر ساختار متن اقدام کنیم و یا آن را به شعر و داستان نزدیک کنیم. «خاطره را نمی‌توان یکسره در ذیل آثار ادبی محض جای داد، زیرا ویژگی ادبی در خاطره بالذات نیست و شاکله آن بر واقعیات خارج از ذهن، یعنی عینیات متکی است» (کمری، ۱۳۸۹: ۷۱).

در دو سه دهه اخیر قریب به اتفاق کسانی که وارد حیطه خاطرات شفاهی شده‌اند بیش از آنکه به تاریخ و رویدادهای معاصر مسلط باشند با پشتوانه ادبی خود به میدان آمده‌اند و همین پشتوانه ادبی گاهی سبب شده است برای زیباسازی متن از نبوغ ادبی خود استفاده کنند. این بهره‌مندی از نبوغ ادبی برای زیباسازی متن از نظر علمی جایی در خاطرات شفاهی و تاریخ شفاهی ندارد. بنابراین خاطره در معنای بایسته و راستین آن، اگر از جهت فحوای متن نتواند محل وثوق و اطمینان واقع شود- ولو آنکه شاید، شان شایان ادبی داشته باشد- فاقد اصالت و اهمیت واقعی، تاریخی، است و اطلاق نام خاطره بر چنین اثری دور از احتیاط و دقت است (همان).

در کتاب «از کوهها بپرسید» متن ادبی و شاعرانه در برخی صفحات کتاب به چشم می‌خورد. نویسنده در مقدمه به جای آنکه با خوانندگان از شیوه کار خود سخن بگوید، از سختی‌ها، محدودیت‌ها و ... بنویسد، نثری ادبی و زیبا را پیش روی خواننده می‌گذارد که کمکی به اثر نمی‌کند و تنها به خواننده می‌گوید که او شیفته راوی است و این شیفته بودن خود به ماجرای کشف حقیقت که یکی از دلایل تولید خاطرات شفاهی است، آسیب می‌زند. «ما در ادبیات می‌خواهیم بسازیم و وانمود کنیم و در تاریخ می‌خواهیم کشف کنیم و بشناسیم. در یکی خلق است و در دیگری کشف» (کمری، ۱۳۹۴: ۱۸۹).

در فصل آغازین کتاب، روایت فرهاد آذر از دوره کودکی چنین آغاز می‌شود:

سخنم را نه از آغاز و نه از میانه قصه که از پایان سرگذشت و از آن آخرین منزل هستی، شروع می‌کنم: مرگ!

مرگ همیشه برای من تجربه زیستن بود، زیستن با لحظه لحظه اتفاقاتی که با آنها بزرگ شدم. این کلمه روزهایی را برای من تداعی می‌کند که تا نزدیکی آن سرنوشت محتوم رفته بودم؛ بارها و بارها برایش دست تکان دادم... (ص ۱۹).

به راستی کدام رزمنده‌ای چنین سخن می‌گوید، آن هم برای بیان خاطره. بی‌شک این نوشته‌ها از زبان راوی، روایت نشده است و این سطرها برای زیباسازی یک روایت طولانی از یک زندگی پرفراز و نشیب نوشته شده است و این آغاز دخل و تصرف در روایت است. «باید دقت کرد در ویرایش تاریخ شفاهی او خاطرات شفاهی لحن راوی حفظ شود و طوری نباشد که واقعه بیان شده توسط راوی با یک ویرایش ناشیانه دچار تغییر ماهوی شود» (مهرجو، ۱۳۹۶: ۱۶۳)



پذیرش جملات ادیبانه بالا از راوی، نگاه خواننده را نسبت به او عوض می‌کند و او را انسانی احساساتی و شاعر مسلک جلوه می‌دهد، در حالی که در ادامه این کتاب، از او چهره‌ای خشن می‌بینیم که همواره یا در مواجهه با مرگ است یا برای ضدانقلاب زندگی مرگباری را رقم زده. در یک گفت‌وگوی مکتوب تاریخ شفاهی هرچند مصاحبه‌شونده را نمی‌بینیم، اما از نحوه حرف زدن به شخصیت او پی برده، و متوجه می‌شویم از کجا آمده و از چه قماش آدمی است. کما اینکه نحوه صحبت کردن استاد دانشگاه یا یک شخصیت علمی، فرهنگی با طرز حرف زدن یک کاسب بازاری و فروشنده تفاوت دارد. گفت‌وگو با هر کدام از این نمونه‌ها معرف سنخ و تیپ آنهاست. بنابراین مصاحبه در قالب متعالی دیالوگ و شکل‌دهی روایت تجربی (وفادار به واقعیت) به احراز و ابراز امر واقع می‌پردازد (کاموس، ۱۳۹۴: ۴۹). ابراز این امر واقع با جملات شاعرانه نویسنده که هرازگاهی در صفحات مختلفی از کتاب سر برمی‌آورد، یکی از چالش‌های اصالت روایت است. به جملات زیر توجه کنید:

«سیاهی شب که صورت تپه‌ها و صخره‌ها را پوشاند» (ص ۱۵۰)

«قدم به قدم تنهایی را طی کردیم تا نزدیک اذان صبح که به روستا رسیدیم.» (ص ۱۵۱)

«گل‌وله‌های ریز و درشت برف به صورتمان چنگ می‌انداختند. سرما با همه سلول‌های پوستمان درآمیخته بود و شب، سایه سیاهش را روی سوره‌کوه انداخته بود.» (ص ۱۵۹)

«چگونه می‌شد نگرست در جایی که روزی فرزند پیامبر (ص) زیر سم اسبان با لبان تشنه و جسم پاره‌پاره از سوئی به سوئی دیگر کشیده شد؟ چگونه می‌شد نگرست، جایی که کودکان حرم آنجا گریسته بودند» (ص ۴۶۰).
«هرچه ماشین جلوتر می‌رفت، من عقب‌تر می‌رفتم. گذشته نگذشته بود، همه وقایع پی‌در پی از جلوی چشمانم رژه می‌رفتند» (ص ۴۹۳).

می‌توان اذعان کرد که حتی شعرا هم در بیان خاطرات خود به صورت شفاهی، این چنین شاعرانه سخن نمی‌گویند و این شاعرانگی اگرچه به زیباسازی متن کمک می‌کند، اما به اعتبار و اصالت روایت خدشه وارد می‌کند، چون از جان و زبان راوی تراوش نکرده است.

۶-۲- استفاده از منابع تاریخی به عنوان داده‌های روای

گاهی بعضی سوژه‌ها قادر به یادآوری جزئیات رخدادها نیستند و یا در بیان درست آن دچار مشکل هستند، به گونه‌ای که فقط کلی‌گویی می‌کنند و دور از ذهن نیست که «از ساعت‌ها مصاحبه هیچ حرف تازه‌ای بیرون نیاید» (جعفری لاهیجانی، ۱۳۹۴: ۳۶۶). در این هنگام که نویسنده با چالش جدی مواجه می‌شود، برای نجات خود از این گرداب مجبور به فضا سازی، خاطره سازی، دیالوگ نویسی و... می‌شود تا جایی که مخاطب با یک اثر ادبی، و نه مستند، روبه‌رو خواهد شد.

یکی دیگر از دخل و تصرف‌هایی که در متن صورت گرفته، بهره‌گیری غیراصولی از منابع دیگر برای پر کردن بخشی از خلاهای روایت است. مثلاً وقتی نویسنده کتاب از کوه‌ها بپرسید در رویدادهای انقلاب اسلامی با اطلاعات پراکنده راوی مواجه می‌شود، برای اینکه اطلاعات بیشتری در زمینه انقلاب اسلامی به خوانندگان بدهد، دست به خاطره سازی

می‌زند و بخشی از مطالب مربوط به سایت (22bahman.ir) (میرفندرسکی، ۱۳۹۴) را کپی و در متن کتاب جاگذاری می‌کند، بدون آنکه اشاره‌ای به منبع اصلی شده باشد که این امر موجب کاسته شدن اعتبار کتاب می‌شود. هرچه نوشتار به گفتار راوی نزدیک‌تر باشد و هر چه نویسنده از دخل و تصرف در متن دوری کند، خواننده به اصل رخداد نزدیک‌تر می‌شود و این یعنی اینکه متن به کشف حقیقت نزدیک شده است.

۷- گویاسازی

یکی از مواردی که سبب قوام و اعتبار خاطرات شفاهی می‌شود، گویاسازی متن است. «بازنگری در محتوا و غنی‌تر کردن داده‌ها» (مومن، ۱۳۹۶: ۱۵۰) با اسناد، مدارک و روایت‌های شاهدان دیگر، که سبب بازسازی بهتر واقعه می‌شود. گویاسازی ارجاع دادن متن به اسناد و مدارک برای روشن شدن یک ماجرا است. در واقع تدوین‌گر در تلفیق روایت‌های گوناگون و نقد و بررسی آنها به مدد سایر اسناد و مدارک به تفسیر واقعه می‌پردازد. آنچه در تاریخ‌نگاری شفاهی مرسوم است، بهره‌گیری از اطلاعات موجود در متن مصاحبه‌ها به‌عنوان مکمل اسناد مکتوب برای تبیین امر واقع در تاریخ است (کاموس، ۱۳۹۴: ۴۹). که گاهی به صورت پانویس و گاهی در پایان فصل و گاهی به صورت پیوست در پایان کتاب درج می‌شود. در کتاب از کوه پیرسید گویاسازی روایت با چالش‌هایی روبه‌رو است که برخی از مهمترین این چالش‌ها به شرح زیر است.

۷-۱- گویاسازی بدون متر و معیار

دلیل اصلی پاورقی کردن افراد، اماکن، رخدادها و... ارائه اطلاعات تکمیلی برای درک بهتر متن است. اگر توضیحات پاورقی به خواننده متن کمک کند که درک بهتری از رخداد داشته باشد، وجود آن پاورقی ضروری است و در غیر این صورت لزومی برای آن وجود ندارد. برخی از پاورقی‌های کتاب از کوه پیرسید، ضروری به‌نظر نمی‌رسد، از جمله اختصاص پنج سطر به کاخ کرملین (ص ۲۵۶) که فقط به‌عنوان مثال برای نشان دادن عظمت یک بنا آورده شده و کارکرد دیگری در متن ندارد و از همین دست است پاورقی‌های مربوط به اسلحه‌های کلاشینکف و ژ ۳ (ص ۱۵۳)، یوزی (ص ۵۴) و گرینوف (ص ۱۷۲) و ... که تقریباً برای عموم خوانندگان شناسا هستند و دادن اطلاعاتی پیرامون سال تولید، کشور تولیدکننده، مخترع و ... اهمیتی برای خواننده ندارد. این در حالی‌ست که برخی شخصیت‌هایی که به گویاسازی نیاز دارند، پاورقی نشده‌اند، مثلاً درباره بسیاری از شهدا توضیحی وجود ندارد، از جمله شهدای پیروزی انقلاب اسلامی در شهرستان لنگرود (محل زندگی راوی) و ... که دست‌کم پاورقی‌شدن مشخصات این شهدا می‌توانست تاریخ دقیق شهادت برخی از آنها را که در متن مشخص نیست در دسترس خوانندگان قرار دهد.



برای گویاسازی اشخاص، رخدادها و ... پیروی کردن از متر و معیاری مشخص، ضروری است تا خوانندگان در مواجهه با پدیده‌های همسان با دوگانگی مواجه نباشند. به‌عنوان مثال دلیل پاورقی شدن برخی از شهرستان‌ها و پاورقی نشدن برخی دیگر، مشخص نیست. در این کتاب شهرستان‌های لاهیجان، لنگرود، املش و ... پاورقی شده‌اند، اما شهرستان‌هایی مثل رودسر، چالوس و ... پاورقی نشده‌اند.

علاوه‌براین به مخاطب‌شناسی گویاسازی توجه نشده است، «مطالب گویاسازی شده باید واقعاً نیاز به گویاسازی داشته باشند. این یک اصل بدیهی است که هر کتابی، مخاطب خاص خودش را دارد و همه اشخاص به همه کتاب‌ها رجوع نمی‌کنند» (یا حسینی، ۱۴۰۲: ۸). بسیاری از واژگانی که در سطور بالا به آنها اشاره شد از جمله شهرهایی که پاورقی شده‌اند، نیازی به پاورقی شدن ندارند و برای مخاطبان شناسا هستند، همچنان که اطلاعات تخصصی در زمینه اسلحه نیز برای مخاطبان خاطرات شفاهی کارایی ندارد.

از آنجا که راوی، اغلب مصاحبه‌کننده را فردی آگاه به امور و رخدادها می‌بیند، لزومی نمی‌بیند در هم‌کلامی با او بسیاری از اشخاص، اماکن و رخدادها را به‌طور کامل معرفی کند، این عدم معرفی اگر توسط نویسنده گویاسازی نشود، ممکن است با متنی ناقص مواجه شویم که سبب سردرگمی خواننده شود.

یکی از راه‌های اصلی گویاسازی، توضیح پیرامون یک فرد، رخداد یا مکان در پاورقی است. در کتاب از کوه‌ها بپرسید ما با حجم زیادی از این گویاسازی‌ها مواجه هستیم، اما گاهی این گویاسازی‌ها سر جای خود قرار ندارند. برای مثال در صفحه ۲۵ کتاب، اولین بار با اسم آقای «خالقی» روبه‌رو می‌شویم، اما بیوگرافی این فرد در صفحه ۲۷ در پاورقی کتاب می‌آید. در حالی که اطلاعات تکمیلی در مورد یک فرد و ... را باید در مواجهه نخست در اختیار خواننده قرار دهیم. همچنین «لاهیجان» اولین بار در صفحه ۷۴ آمده، در حالی که در صفحه ۲۲۲ پاورقی شده و ۳ که نخستین بار در صفحه ۷۲ آمده، در صفحه ۱۵۳ پی‌نوشت شده است. در صفحه ۱۳۱ نیز چند محله لنگرود به پی‌نوشت صفحه ۱۶ ارجاع داده شده‌اند، که این ارجاع در صفحه ۲۳ قرار دارد.

۲-۷- گویاسازی با منابع نامعتبر و جانبدارانه

برای گویاسازی باید از منابع علمی استفاده شود. منابعی که اعتبار لازم را داشته باشند. یکی از آسیب‌های مهم پاورقی‌نویسی در دو دهه اخیر مراجعه به اینترنت و بهره‌گیری از منابع غیرموثق است. در حال حاضر بخش زیادی از پاورقی کتاب‌های خاطره‌نگاری از دانش‌نامه‌ای آزاد و قابل ویرایش برای عموم با عنوان ویکی‌پدیا برداشت می‌شود که اغلب با تغییراتی اندک و یا تلخیص، بدون ذکر منبع به کار گرفته می‌شود. به‌عنوان مثال در معرفی علی عبداللهی آمده است: «علی عبداللهی علی‌آبادی متولد ۱۳۳۸ شهرستان رودبار، نظامی، خلبان و سیاست‌مدار ایرانی است...» (ص ۴۰۹). این مطلب نه تنها از این دانش‌نامه برداشت شده، اضافات آن نیز حذف نشده است. اینکه علی عبداللهی را به‌عنوان یک ایرانی معرفی کنیم، جای تعجب دارد. آیا کسی گمان به خارجی بودن علی عبداللهی دارد که ما بر ایرانی بودنش تاکید داریم. این تاکید بر ایرانی بودن، برای معرفی برخی افراد دیگری نیز استفاده شده است، مثلاً

پاورقی شهید ابوالحسن کریمی (ص ۷۵) و شجاع‌الدین شفازاده (ص ۲۰۳) و... بهتر است برای گویاسازی اشخاص، امکان، رویدادها و... از دانشنامه‌ها و آثار متقن بهره‌برداری شود. ارائه گویاسازی‌های مناسب و بجا سبب می‌شود تا کتاب، در جهت ابهام‌زدایی پیش برود (عبدالله‌زاده، ۱۳۹۶) و درک رویدادها برای خوانندگان آسان‌تر باشد. علاوه‌براین نگاه به پدیده‌ها و رخدادها در پاورقی نباید ایدئولوژیک و جانبدارانه باشد، بلکه باید وجاهت علمی مطلب در نظر گرفته شود، نه جنبه‌های احساسی آن. به‌عنوان مثال بهره‌گیری از عبارات‌های شعاری «رزمندگان اسلام» (ص ۱۲۷)، منافقین کوردل (ص ۷۶)، «مجاهد نستوه»، «خدمت خالصانه» (ص ۱۰۹)، «نیروهای سنگدل» (ص ۱۹۴) و برخی جملات مربوط به پاورقی انجمن حج‌تیه (ص ۵۷) به دلیل ورود مسایل احساسی و ایدئولوژیک، اعتبار علمی متن را خدشه‌دار کرده است.

۷-۳- عدم ارجاع متن به اسناد، منابع و سایر روایت‌ها

ارجاع دادن اشخاص، رخدادها و... به منابع، اسناد، کتاب و... یکی از راه‌های گویاسازی متن است تا خوانندگان برای کسب اطلاعات بیشتر به آن منابع مراجعه کنند. پژوهشگران معتقدند: «گویاسازی متن، توضیحات، انضمام تکمله‌ها، متن را فرجه می‌کند. پس ممکن است جایی را در یک خاطره نیاز داشته باشیم که پی‌نوشت و پانویست و یا حتی ارجاع به سند بدهیم، ارجاع به نقشه یا عکس بدهیم» (کمری، ۱۳۹۴: ۲۴۶). در کتاب از کوه‌ها پرسید برخی از اشخاص تنها با نام و نام‌خانوادگی معرفی شده‌اند و نویسنده هیچ توضیح پیرامونی، درباره آنها نمی‌دهد تا کمک‌حال خواننده برای شناخت آن شخصیت باشد. فصل پنجم کتاب از کوه‌ها پرسید چنین آغاز شده است: «حسن شیخ-شعبانی را دیدم. حسن در منطقه کردستان بود. برایم از شرایط آنجا گفت...» (ص ۱۴۹). ضمن اینکه نویسنده با حذف زمان و مکان رویداد، یک فصل از کتاب را به شکل نامناسبی آغاز کرده است از شخصیتی سخن به میان می‌آورد که پیش‌تر اطلاعاتی درباره او به خواننده نداده است، در صورتی که نویسنده می‌توانست خوانندگان را به کتاب «حسن تیشی» (هاشمیان، ۱۳۹۳) خاطرات شهید حسن شیخ‌شعبانی ارجاع دهد.

کسی که زندگی فردی را دستمایه قرار می‌دهد، باید منابع لازم پیرامون رخداد‌های مهم زندگی آن شخص را بشناسد و آنها را مطالعه کند تا در هنگام مصاحبه، کمک‌حال راوی باشد و هنگام تنظیم متن در جاهایی که روایت‌های چندگانه وجود دارد، نسبت به ارجاع آن اقدام کند. نخستین گام مورخ یا مصاحبه‌گر در اجرای طرح یا پروژه تاریخ شفاهی، تسلط کامل بر موضوع و آشنایی با زوایا و جنبه‌های گوناگون آن است، زیرا در این صورت وی در یافتن شاهدان و روایان وقایع و تماس با آنها دشواری کمتری خواهد داشت (کرمی‌پور، ۱۳۹۴: ۱۶۴-۱۶۵).

یکی از دلایل عدم ارجاع متن خاطرات به اسناد و سایر روایت‌های، عدم شناخت منابع مرتبط است. اگر مصاحبه‌گر تسلط کافی بر موضوع مصاحبه داشت با برخی ارجاعات، دست کم برای پژوهشگران و علاقمندان به خاطرات شفاهی راهی جدید می‌گشود. مورخ باید متوجه باشد که متن تاریخ شفاهی قابل نقد است و برای همین منظور می‌بایست خاطرات را با خاطرات دیگر- البته در همان رشته و موضوع و همچنین با اسناد و مدارک دیگر تطبیق دهد. زیرا در واقعه، رخداد واحد، اما برداشت و تصورات افراد متفاوت است (مومن، ۱۳۹۶: ۱۵۶).



علاوه بر شیخ‌شعبانی، وقتی از محمد اکبری کوچکترین عضو گروه ضربت سخن به میان می‌آید، باز هم نویسنده هیچ ارجاعی به کتاب دونس نقطه صفر مرزی (علی‌زاده، ۱۳۹۱) که تنها اثر مکتوب پیرامون گروه ضربت میرزا کوچک‌خان و به روایت محمد اکبری است، نمی‌دهد. برخی از روایت‌های محمد اکبری می‌توانست در پاورقی یا در پیوست کتاب بیاید تا خواننده با اختلاف روایت‌های او و فرهاد آذر از یک رویداد واحد آشنا شود. از جمله در صفحه ۲۴۲ کتاب، دلایل جدا شدن اکبری از گروه ضربت میرزا کوچک‌خان، پس از آزادی از اسارت، با روایت کتاب دونس نقطه صفر مرزی (همان: ۲۶۲ - ۲۶۷) کاملاً متفاوت است.

در صفحه ۲۳۸ کتاب نیز که صحبت از کشته شدن حسن زحمتکش در لنگرود سخن به میان می‌آید باز هم نویسنده می‌توانست این روایت را به روایت مکتوب دیگری از کتاب رقص روی یک پا، خاطرات اسماعیل یکتایی لنگرودی (مصیب‌زاده، ۱۳۹۶) ارجاع دهد یا حتی بخشی از آن روایت را در پاورقی بیاورد که هیچ یک از این کارها انجام نشد. همچنین در بخش مربوط به حضور راوی در سپاه مریوان، به‌عنوان فرمانده عملیات سپاه «یادداشت‌های سعید» (رستمی، ۱۳۹۷) که یادداشت‌های روزانه سعید قهاری سعید، فرمانده وقت سپاه مریوان بود، قابلیت ارجاع‌دهی داشت که این مورد هم انجام نشد تا مخاطب از یک روایت موازی محروم بماند.

۷-۴- عدم گویاسازی با تکمیل مصاحبه

یکی دیگر از راهکارهای حضور مصاحبه‌کننده در روایت و تبدیل او به راوی، برای برقراری «دیالوگ» و ساخت «بازروایی»، مجهز بودن مصاحبه‌کننده به ارجاع‌های مربوط به امر واقع و مسئله مشترک مورد بحث براساس اسناد، مدارک، شواهد، نقل قول‌های دیگران، سایر روایت‌ها، شایعات عمومی در سطح شهر (Town Gossip) و همچنین نظریه‌ها و فرضیه‌ها و استنباط‌های مشهور در میان کارشناسان و مورخان است. تجهیز مصاحبه‌کننده به این ارجاع‌های بیرونی، کمک می‌کند تا در کنار ارجاع‌های درون‌متنی، نسبت به روایت‌های مصاحبه‌شونده، همچنین مباحث و مسائل مربوط، نقشی فراتر از «یادآوری‌کننده» و «هدایت‌کننده موضوع» داشته باشد و با ارجاع‌های مناسب در فواصل مطالب، مصاحبه‌کننده، روایت دیگری را طرح کند تا با برقراری رابطه دیالکتیکی میان تز و آنتی‌تز به سنتز، یعنی روایت تاریخی درباره امر واقع، منجر شود (کاموس، ۱۳۹۴: ۴۸).

مصاحبه‌کننده باید با پرسش‌های تکمیلی، بخشی از نارسایی‌های متن را پیش از انتشار گویا کند که در این کتاب این گویاسازی تا حدودی انجام شده، اما همچنان با کاستی‌هایی روبه‌رو هستیم. پژوهشگران معتقدند: یک مصاحبه‌گر حرفه‌ای، بسیاری از اطلاعات را از مصاحبه‌شونده کسب خواهد کرد تا هنگام تدوین مطالب، نیاز کمتری به گویاسازی پیدا کند، زیرا از دست دادن فرصت کسب اطلاعات، از افرادی که در صحنه مربوط حضور داشته‌اند، اسفبار خواهد بود (فدایی عراقی، ۱۳۷۷: ۱۰۷).

مثلاً وقتی در نخستین عملیات گروه ضربت میرزا کوچک‌خان هشت نفر در تاریکی شب به سمت روستای ندر حرکت می‌کنند و پس از درگیری با ضدانقلاب، موقع برگشت از روستا اتومبیلی را در تاریکی شب متوقف می‌کنند و به

سرنشینان آن که دو مرد و یک زن هستند، می‌گویند: «ما را به شهر برسانید...» (ص ۱۵۲). بعد بلافاصله راوی می‌گوید: «نشستم پشت فرمان و دور زدم. گروه سوار شدند و تخت‌گاز تا شهر رفتیم».

در این روایت، مصاحبه‌گر متن را با مصاحبه‌تکمیلی گویا نکرده، به همین خاطر پرسش‌های بدون جواب زیر در متن باقی مانده و گویاسازی اتفاق نیفتاده است.

۱. نوع اتومبیل در متن مشخص نیست. قریب به یقین راوی در گفتارش نوع خودرو را مشخص کرده است. چون ما در گفتار روزمره خود به‌ندرت از واژه اتومبیل استفاده می‌کنیم. مثلاً می‌گوییم: پیکان، وانت، نیسان، تویوتا و... و اگر بخواهیم نوع مجهول یک خودرو را نام ببریم از واژه ماشین استفاده می‌کنیم. پس احتمالاً در به‌کارگیری واژه «اتومبیل» دخل و تصرف انجام شده است.

۲. ابهام دوم اینجا پیش می‌آید که چطور هشت نفر با ابزار و لوازم جنگی سوار یک ماشین شدند و همگی در آن، جا شدند. آیا احتمالاً آن اتومبیل، وانت یا چیزی شبیه آن بوده است؟

۳. ابهام سوم این است که طبق متن «گفتم: نترسید. کاری با شما نداریم. می‌خواهیم ما را به شهر برسانید!» (ص ۱۵۲). آیا خانواده‌ای که در اتومبیل بودند به ناچار همراه گروه ضربت به بانه رفتند تا ماشین‌شان را از آنها پس بگیرند یا نه در وسط بیابان به امان خدا رها شدند و ماشین‌شان توسط گروه ضربت مصادره شد... متن به هیچکدام از این سوالات پاسخ نداد تا بخشی از ماجرا در هاله‌ای از ابهام باقی بماند.

همچنین در بخشی از کتاب از افرادی سخن به میان می‌آید که نویسنده برای تکمیل اطلاعات مربوط به آنها اقدامی نمی‌کند. راوی در صفحه ۱۵۴ کتاب از شهید ناصر حبیبی که در درگیری منطقه چومان و زله به شهادت رسیده است، می‌گوید، اما هیچ اشاره‌ای به چگونگی شهادت ناصر حبیبی نمی‌شود و فقط از عبارت «افسوس که در همان درگیری شهید شد» بهره گرفته می‌شود، در حالی که درگیری با نیروهای ضدانقلاب معمولاً با تعداد نفرات محدود و در سرزمینی محدود انجام می‌شد و اغلب نحوه شهادت افراد مشخص است. از این دست ابهامات در برخی صفحات این کتاب دیده می‌شود که جا داشت این نواقص برطرف می‌شد.

در صفحه ۲۶۲ نیز بر اساس روایت راوی، سه تن از نیروهای سپاه بانه به دست ضدانقلاب به شهادت می‌رسند. راوی در منطقه درگیری، ابتدا با پیکر بی‌جان شخصی به نام فرهاد مواجه می‌شود و سپس پیکر وحید را پیدا می‌کند و سومین شهید حاج‌حفظ‌الله عابدینی است که فرهاد آذر در تشییع هر سه نفر این شهدا شرکت می‌کند، اما وقتی صحبت از تشییع این سه نفر می‌شود خواننده به‌جای تشییع وحید و حفظ‌الله و فرهاد با یک اسم جدید به نام حمید مواجه می‌شود که هیچ نشانی از آن نه در صفحات پیشین و نه در صفحات پسین دیده نمی‌شود و خواننده نمی‌داند که این حمید از کجا وارد متن شده است. این در حالی است که فرهاد نام خانوادگی شهید حمید فرهاد است که نویسنده بدون هیچ پیش‌زمینه‌ای برای اولین بار در متن از نام فرهاد استفاده کرده و در ادامه بدون رفع این ابهام، تنها از نام کوچک شهید، یعنی حمید بهره برده که به ابهام متن افزوده و فقط از طریق عکس‌های مندرج در پایان کتاب که نام و نام خانوادگی شهید باهم آمده است، می‌توان این ابهام را رفع کرد.



اگر تدوین‌گر خاطرات شفاهی در گویاسازی محتوا ناموفق باشد، حاصل آن تاریخ‌سازی خواهد بود. برای همین است که می‌طلبید، محققان در تمام مراحل کار، رویکردی انتقادی داشته باشند (رضوی، ۱۳۸۷: ۱۰۱).

۷. نتیجه:

خاطرات به شکل سنتی (خودنگاشت) با خاطرات شفاهی تفاوت‌هایی دارد. در خودنگاشت‌ها نویسنده به‌عنوان صاحب خاطره، مختار است آن‌گونه که دلش می‌خواهد بنویسد و می‌تواند آن را به سمت متن ادبی، محاوره و... نیز سوق دهد. علاوه‌براین می‌تواند بخشی از خاطرات را بیان نکند و بخشی دیگر را پررنگ یا کم‌رنگ‌تر نشان دهد، اما در خاطرات شفاهی، مصاحبه‌گری آگاه به وقایع و رخدادها وجود دارد که راوی را در بازسازی بهینه رخداد یاری می‌رساند تا جایی که خاطرات شفاهی را محصول مشترک روایت راوی و مصاحبه‌گر خبره می‌دانند.

همچنان که صداقت راوی در بیان رخدادها ما را به بازسازی هرچه بهتر واقعیت نزدیک می‌کند، مصاحبه‌گر آگاه نیز برای حفظ اصالت داده‌های شفاهی باید تلاش خود را به‌کار گیرد تا با حفظ مفهوم، ساختار و نحو کلام، لحن و... همچنین عدم دخل و تصرف و کاستن و افزودن به داده‌های روایت، متنی را در اختیار خوانندگان بگذارد که با روایت راوی مغایر و متفاوت نباشد، چرا که گاهی برخی تغییرات، موجب برداشت‌های دیگرگونه‌ای از روایت خواهد شد. در کتاب از کوه‌ها بپرسید، در فرازهایی متن خاطره به سمت نثر ادبی و شاعرانگی سوق داده می‌شود، که اصالت متن را به چالش می‌کشد. همچنین نویسنده برای پُر کردن خلاهایی که در بازتعریف رخدادها وجود داشت، متن را با داده‌های تاریخی دیگر بازآفرینی می‌کند که این امر دخل و تصرف آشکار در متن خاطره به حساب می‌آید و به اصالت اثر آسیب می‌زند.

خاطرات شفاهی اگرچه در دایره ادبیات پایداری قرار می‌گیرد، اما بالذات خلق ادبی به حساب نمی‌آید و نباید آن را با دخل و تصرف‌های شاعرانه و داستان‌سرایی‌ها آمیخته و اصالت آن را دچار خدشه کرد، چرا که خواننده را از غایت اصلی ثبت خاطرات که همان کشف حقیقت است، دور می‌کند.

گویاسازی نیز در کتاب از کوه‌ها بپرسید در بخش‌هایی از کتاب آن‌گونه که باید نتوانست به بازسازی هرچه بهتر واقعه کمک می‌کند. از جمله اینکه متر و معیار مشخصی برای درج پاورقی‌ها وجود ندارد و نویسنده برخی از ابهام‌ها را گویاسازی نکرده است. علاوه‌براین پاورقی‌ها در جایگاه مناسب خود قرار نگرفته‌اند و گاهی به صفحات بعدی موکول شده‌اند. یکی دیگر از مشکلات گویاسازی بهره‌گیری از منابعی است که اعتبار علمی چندانی ندارند. استفاده از واژگان جانبدارانه و غیرعلمی نیز در برخی گویاسازی‌ها به اعتبار پاورقی‌ها خدشه وارد کرده است.

علاوه‌براین مصاحبه‌گر به صداقت گفتار راوی بسنده کرده و به اسناد و سایر روایت‌ها پیرامون رخدادها ارجاع نداده است تا خواننده از زوایای مختلف به تفسیر یک واقعه بپردازد. یکی از مهم‌ترین روش‌های گویاسازی خاطرات شفاهی، مصاحبه تکمیلی با راوی است که در بخش‌هایی از این اثر همچنان نیاز به مصاحبه تکمیلی مشهود است تا خواننده جوابی برای برخی از پرسش‌های خود بیابد.

منابع

- بخشی، حامد و بستان، زهرا (۱۳۹۳)، تحلیل محتوای جلوه‌های ایثار در سینمای دفاع مقدس طی سال - های ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۶. فصلنامه مطالعات ملی، سال پانزدهم، شماره ۱.
- رستمی، محمدرسول (۱۳۹۷)، یادداشت‌های سعید، تهران: سوره مهر.
- رسولی‌پور، مرتضی (۱۳۹۴)، تجربه‌ها و تاملات در تاریخ شفاهی، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- رضوی، ابوالفضل (۱۳۷۸)، داده‌های حاصل از مصاحبه، تاریخ یا تاریخ‌نگاری، مصاحبه در تاریخ شفاهی: مجموعه مقالات چهارمین نشست تخصصی و کارگاهی آموزشی تاریخ شفاهی، تهران: سوره مهر، ۱۳۸۷.
- رنجبر، محمود (۱۳۹۵)، آسیب‌شناسی خاطره جنگ (مطالعه موردی مجموعه خاطرات هفت‌ستون). فصلنامه مطالعات تاریخی جنگ، سال اول، شماره دوم.
- عزیزی، غلامرضا (۱۳۸۴)، آناتومی تاریخ شفاهی. ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، سال چهارم، شماره ۳۴.
- عزیزی، غلامرضا (۱۳۹۰)، آسیب‌شناسی تاریخ شفاهی. مرزهای خاطره، مجموعه مقالات تاریخ شفاهی دفاع مقدس، به کوشش غلامرضا عزیزی: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- علی‌زاده، امین (۱۳۹۲)، دونس نقطه صفر مرزی. تهران: سوره مهر.
- کاموس، مهدی (۱۳۹۴)، مفهوم و ماهیت مصاحبه در تاریخ شفاهی (مصاحبه به مثابه دیالوگ و روایت در قالب مصاحبه). مجموعه مقالات مصاحبه در تاریخ شفاهی، چاپ دوم، تهران: سوره مهر.
- کمری، علی‌رضا (۱۳۹۴)، اثر نشان. تهران: سوره مهر.
- کمری، علی‌رضا (۱۳۸۹)، بایاد خاطره. چاپ دوم، تهران: سوره مهر.
- کمری، علی‌رضا (۱۳۹۴)، پرسیمان یاد. تهران: صریر.
- کمری، علی‌رضا (۱۳۹۷)، پویه پایداری. تهران: سوره مهر.
- فدایی عراقی، غلامرضا (۱۳۷۷)، مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی. تهران: سمت.
- محمدپور، اسماعیل (۱۳۹۹)، از کوه باپرسید. تهران: صریر و رج.



- محمدی، محمد (۱۳۸۶)، **روایت در تاریخ شفاهی**. ماهنامه سبزینه کادوس، شماره ۷. مصیب‌زاده، مصطفی (۱۳۹۶)، **رقص روی یک پا**. تهران: سوره مهر.
- معین، محمد (۱۳۸۱)، **فرهنگ یک جلدی معین**. تهران: ندا.
- مومن، ابوالفتح، (۱۳۹۶)، **بایدها و نبایدهای تدوین تاریخ شفاهی**، مجموعه مقالات هفتمین و هشتمین همایش تاریخ شفاهی، به کوشش علی ططری، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- مهرجو، حبیب‌الله (۱۳۹۶)، **حدود و ویرایش در تاریخ شفاهی**، تدوین در تاریخ شفاهی (ططری، علی)، تهران: کتابخانه و موزه مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- میرفندرسکی، سیدرضا (۱۳۹۴)، **انقلاب اسلامی در لنگرود**، پایگاه انقلاب اسلامی (۲۲ بهمن)، <http://22bahman.ir/show.php?page=post&id=15168>
- هاشمیان، سیده‌نسا (۱۳۹۲)، **حسن تی‌شی**، تهران: سوره مهر.
- یاحسینی، سیدقاسم (۱۴۰۲) **گویاسازی در خاطرات شفاهی**. پایگاه تاریخ شفاهی، <http://oral-history.ir/?language=2&page=links>





Criticism of the oral memoir book "Ask the Mountains" from the perspective of originality of the text and narration

mohammadreza shadmanamen¹, mohammad porhelm bejarpasi², alimohammad mozani³, jahandoost sabzalipour⁴

Abstract:

Memories have been written for centuries in Iran and the world, but in oral memories, a knowledgeable interviewer plays a role in its production and review and puts the narrator's unsaid in front of the audience with his questions. For this reason, most of the oral memories are more important than writing the memories in the traditional way, but the inclusion of the interviewer and the writer in the narration may also cause harm. One of these damages is the interference of the author in the text, in such a way that some memoirs, at least in parts, enter the scope of literary prose, or historical sources are used instead of narrative data. In this article, the authors seek to answer the question whether the originality of the narrative has been damaged in the book Ask the Mountains. Also, with narrative illustrations, does the reader establish a better relationship with the text or not? In addition, the challenges of narrating the book "Ask the Mountains" including narrating without meter and criteria and referring to unreliable sources, not referring the text to documents and data and other narratives and not completing the interview are shown in order to determine how much the author Has the size been successful in illustrating the text, and has the amount of the author's intervention damaged the originality of the narrator's narration or not? The research method in this research is the historical method in a descriptive-analytical way.

Keywords: sustainability literature, oral memories, originality of the text, narration.

¹ . Faculty member of the Department of Persian Language and Literature, Khalkhal Islamic Azad University, Khalkhal, Iran (corresponding author) mr.shadmanamin@gmail.com

² . Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Khalkhal branch, Khalkhal, Iran. mvaresh54@gmail.com/

³ . Member of the academic staff of the Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran. moazzeni@ut.ac.ir

⁴ .